

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قرآن و عترت (ع)



امروز در روی زمین، کسی که مانند پیغمبر اکرم (ص) و امامان پیشین (ع) آگاه و عالم به همه علوم قرآن باشد، غیر از امام عصر - صلوات الله علیه - وجود ندارد و بعد از این نیز تا روز قیامت کسی نخواهد بود. این خاندان، راسخان در علم اند. پس اگر تفسیر قرآن از غیر راه اهل بیت (ع) باشد، باطل و مردود است.

بعضی از امور، در زمره محکات (امور تردید ناپذیر) قرآن و سنت خاتم پیامبران (ص) شمرده می شود، در حالی که ممکن است غبار زمان و نسیان بر آن نشسته باشد؛ مانند فرموده رسول خدا (ص) در حدیث گران سنگ ثقلین

که عالمان هر دو مذهب - عامه و شیعه - آن را به طور اجماع قطعی الصدور می دانند. آن حضرت در حدیث ثقلین بیان فرمودند:

**إني تاركٌ فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي - اهل بیته - ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا ولن تزلوا.**

من در میان شما دو چیز سنگین گران بها را به جا می گذارم؛ کتاب خدا و عترت - اهل بیت - ام. مادامی که به آن دو چنگ بزنید، هرگز گمراه نخواهید شد و هرگز نخواهید لغزید.

این روایت شریف، از جمله روایات متواتر است و فراتر از یکصد روایت در کتاب های معتبر شیعه و سنی با همان مضمون بیان شده است و بیشتر آنها نیز تواتر لفظی دارند. برای آگاهی بیشتر از این مطلب می توان به کتاب احقاق الحق علامه نور الله شوشتری، عباقات الانوار علامه میرحامد حسین هندی، و الخدیر علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی (ره) رجوع نمود.

**پس از درک مسلم و متواتر بودن حدیث ثقلین، لازم است به چند نکته مهم که از آن اتخاذ می شود، توجه شود:**

**اول،** قرآن و عترت، مورد وصیت پیامبرند، و آن حضرت (ص) کاملاً به آنها نظر داشته است.

**دوم،** عترت و قرآن توأم با هم هستند.

**سوم،** مراد از عترت، اهل بیت پیامبر (ص) هستند. که «آیه تطهیر» در شأن ایشان نازل شده، دلیل بر عصمت و طهارت آنهاست.

**چهارم،** تمسک به عترت (ع) موجب هدایت و رستگاری و سبب منحرف نشدن از راه حق و نلغزیدن همیشگی است. و راه نجات، انحصاراً در تمسک به ایشان و پیروی از اوامر و نواهی ایشان می باشد.

به گواهی روایات معتبر رسیده از رسول اکرم (ص) مراد از اهل بیت (ع)، وجود مبارک امیرالمؤمنین، حضرت

صدیقه کبری - فاطمه زهرا - حضرت امام حسن و حضرت امام حسین و نه نفر از اولاد امام حسین (ع) اند. جز این حضرات (ع) احدی عالم به همه علوم و حقایق قرآن و سنت پیغمبر نیست. همه علوم قرآن، پس از پیغمبر (ص) نزد عترت بوده، بیان آن نیز با خود آنان است. به این دلیل است که قرآن مجید به تنهایی و بدون بیان پیامبر و امام منصوب از جانب خدا و مخصوص از پیامبر، برای هدایت بشر کافی نیست.

پیغمبر و امام اند که راهنمای به سوی قرآن هستند و هر چه می فرمایند، از قرآن خارج نیست. و قرآن نیز راهنمای به سوی ایشان است.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه:

**إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ.**

قطباً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است، راه می نماید.

فرمودند:

یعنی این قرآن به سوی امام راهنمایی می کند.

همچنین از امام باقر (ع) در تفسیر همین آیه روایت شده است که فرمودند:

[قرآن] به سوی ولایت راهنمایی می کند.

همچنین از حضرت سجاد (ع) روایت شده است که فرمودند:

هیچ امامی از ما نیست جز آنکه معصوم است و عصمت در ظاهر خلقت شناخته نمی شود. از این جهت است که امام، باید منصوب باشد.

پرسیده شد، معصوم یعنی چه؟ امام (ع) فرمودند:

معصوم کسی است که به ریسمان خدا که همان قرآن است، چنگ زده باشد و قرآن، امام را راهنمایی می کند، این معنای فرموده خداوند است که: «قرآن، هدایت می کند آن را که استقامتش زیاده است»

بنابراین مضمون حدیث ثقلین، وجوب عصمت عترت است، اما بیشتر مردم این معنا را نمی دانند. دلیل آن نیز این است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند، کسی که متمسک به ایشان شود، هرگز گمراه نمی شود و نمی لغزد.

پس هیچ شکی نیست که شخصی که به او چنگ می زنند، باید معصوم واقعی باشد؛ زیرا غیر معصوم مبرای از خطا نیست، بلکه امکان دارد خطای عمدی نیز مرتکب شود، و کسی را که به او چنگ زده، به گمراهی بیندازد. بنابراین حدیث، علاوه بر آیه تطهیر، نیز عصمت ایشان ثابت و متیقن می باشد.

ما به عنوان مثال، در این جا نمونه ای را بیان می کنیم: امیر مؤمنان (ع) در احتجاج مقابل شخصی از صحابه، درباره حضرت فاطمه زهرا (س) به او فرمودند: «به من خبر ده، این قول خداوند متعال:

**إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا؛**

درباره چه کسانی نازل شده؛ آیا این آیه در شأن ماست یا دیگران؟» وی گفت: در شأن و حق شما نازل شده است. امام (ع) فرمودند: «ای فلان، اگر شاهدانی علیه فاطمه - دختر رسول خدا (ص) [نزد تو بیایند] به فاحشه ای شهادت دهند، تو چه خواهی کرد؟» گفت: بر او [حضرت فاطمه (س)] حد جاری می کنم، هم چنان که بر سایر زن هایی که این عمل را می کنند، جاری می کنم. پس امیر مؤمنان (ع) فرمودند: «در این صورت، نزد خدا از کفار هستی» گفت: برای چه؟ امام (ع) فرمودند: برای اینکه شهادت خدا را در حق او رد کردی. خدا به طهارت او شهادت داده ولی تو به ضرر او، شهادت مردم را قبول کردی.»

## امام ، در بردارنده علوم قرآن

دوازده امام معصوم (ع) که خلفای خدا و حجت های او بر مخلوقات، و جانشینان رسول خدا (ص) هستند - به تمام معنی - پس از آن حضرت عالم به قرآن می باشند. قرآن از هر جهت، بزرگ ترین آیه و نشانه از میان آیات و نشانه های خداوند است که از جانب او بر رسولش نازل شده و معجزه جاوید خاتم پیامبران تا روز قیامت میباشد.

این کتاب، معانی همه آنچه را در عالم هستی است، در بر دارد. این در برداشتن از جهات مختلف، از جمله: تنزیل، تأویل ظاهری، ظاهر ظاهر تا هفت بطن و هفتاد بطن، و باطن، باطن باطن تا هفت بطن و هفتاد بطن؛ همچنین معانی ای که بر مطابقت، یا تضمّن، یا التزام، تصریح، اشاره، رمز، منطوق، مفهوم، عموم و خصوص، کلمات، حروف، عدد، حقیقت، حقیقت حقیقت و جهات غیر اینها می باشد، که فراتر از شمارش است. همانند کتاب تکوینی که عبارت از کلیه عالم امکان که دارای اطوار، اکوار، ادوار و انواع مخلوقات و اجزای می باشد. نظیر: علوی و علویات، سفلی و سفلیات، ممکنات و مکونات، زمانیات و مکانیات، جواهر و اعراض و مجردات و مادیات که آن نیز از حدّ شماره بیرون است. از همین رو خداوند متعال در وصف قرآن فرموده است:

... تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ؛

در آن بیان هر چیزی هست.

و در آیه دیگری فرموده است:

مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛

در آن کتاب چیزی را فروگذار نکرده ایم.

یا در جای دیگر:

**فیه هدی ورحمة؛**

هدایت و رحمت برای هر چیزی در آن است.

**... تفصیل کل شیء؛**

تفصیل هر چیزی [در آن است].

پس همان گونه که میان اجزای کتاب تکوینی عالم، نسبت و ارتباطی در نظم و ترتیب وجود دارد که آن را اجمالاً و بر اساس اختلاف سطح عقل های ناقص (بشر) می توان درک کرد، در میان کتاب تدوینی (قرآن) و کلیات و جزئیات متنوع آن نیز بر حسب استعداد و اهلیت داشتن انسان ها اختلاف است. اما انسان های عادی، هر چند دارای عقل سلیم و معلومات زیادی هم باشند، هرگز نمی توانند به عمق آن پی ببرند و آن را به نحو تمام و کمال با حق واقع دریابند.

جز راسخان در علم که دارای عقول کامل بوده و خداوند متعال، ایشان را بر آفرینش آسمان ها و زمین و بر نفس های ایشان گواه گرفته است. راسخان در علم، همان چهارده معصوم پاک و طاهر - محمد، علی، فاطمه و یازده امام و حجج دیگر از ذریه پاک و پاکیزه آنان - هستند.

**که نازل شد همه در بیت ایشان**

**بجو از آل احمد رمز قرآن**

**که اهل بیت ادرایند بالبیت**

**ندانند خارجی کو چیست در بیت**

**اهل خانه از آنچه درون آن است آگاه ترند.**

اگر چنین کتاب مبین (روشن‌ای، روشنگر نداشته باشد، عقل‌های ناقص - حتی در کامل‌ترین صورت - نمیتوانند آن را مورد استفاده قرار دهند. به علاوه، فرو فرستادن چنین کتابی که برای هدایت و راهنمایی بشر است؛ بدون مبّین، - العیاذ باللّٰه - نسبت دادن کار بیهوده به خداوند علیم و حکیم است. حال آنکه در این کتاب فرموده است:

**و ما خلقنا السّموات والأرض و ما بینهما لاعبین.**

**آسمان‌ها و زمین، و آنچه را که میان آن دو است، از روی بازی سرگرمی نیافریدیم.**

بنابراین اولین مبّین قرآن، کسی است که خدا قرآن را برای او نازل فرموده، به او تعلیم داده تا به دیگران آموزش دهد و بیان آن را به عهدۀ او نهاده است. چنانکه می‌فرماید:

**الرحمن علّم القرآن خلق الإنسان علمه البیان.**

**خداوند بخشایشگر قرآن را تعلیم فرمود انسان را آفرید بیان را بدو آموخت.**

مراد از انسان در این آیه، انسان کامل - وجود مقدس خاتم الانبیا(ص) - است که خداوند، بیان قرآن را به ایشان تعلیم داده تا به مفاد آیه:

**و یعلمهم الکتاب و الحکمة.**

**و به آنها کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد.**

آن را به بندگان بیاموزد و راه هدایت را به ایشان نشان دهد، و پس از آن به فرمان خدا، همه علوم و حقایق آن را به وصّی خود - امیرالمؤمنین(ع) - به وراثت بسپارد. و خداوند متعال در این کتاب شریف آن حضرت را به شرافت «**من عنده علم الکتاب؛ کسی که علم کتاب نزد اوست**» ستوده است. سپس امیرمؤمنان(ع) آن علم را به

امام پس از خود و یکی بعد از دیگری تا به وجود مبارک امام دوازدهم، حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - سپرده است.

امروز در روی زمین، کسی که مانند پیغمبر اکرم (ص) و امامان پیشین (ع) آگاه و عالم به همه علوم قرآن باشد، غیر از امام عصر - صلوات الله علیه - وجود ندارد و بعد از این نیز تا روز قیامت کسی نخواهد بود. این خاندان، راسخان در علم اند. پس اگر تفسیر قرآن از غیر راه اهل بیت (ع) باشد، باطل و مردود است.

\*\*\*\*\*

### پی نوشت ها:

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۷۸۷ (چاپ امین الضرب)، همچنین کتاب طرائف سید بن طاووس و دیگر کتب شیعه و از کتب عامه چند روایت در صحیح مسلم و مسند احمد بن حنبل و صحیح ترمذی و جامع الاصول و صحیح مسلم و سنن ترمذی و سنن دارمی و خصائص نسایی و مستدرک حاکم و ...

۲. سورة اسراء (۱۷)، آیه ۹

۳. تفسیر صافی، ج ۳، ص ۱۸۰

۴. همان

۵. همان

۶. سورة احزاب (۳۳)، آیه ۳۳

۷. طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۲۳۸



۸. سورة نحل (۱۶)، آية ۸۹

۹. سورة انعام (۶)، آية ۳۸

۱۰. سورة نحل (۱۶)، آية ۶۴

۱۱. سورة يوسف (۱۲)، آية ۱۱۱

۱۲. سورة انبياء (۲۱)، آية ۱۶

۱۳. سورة رحمن (۵۵)، آيات ۱-۴

۱۴. سورة بقره (۲)، آية ۱۲۹؛ سورة آل عمران (۳)، آية ۱۶۳؛ سورة جمعه (۶۲)، آية ۲